



شورای راهبردی روابط خارجی
Strategic Council on
Foreign Relations

تحلیلی بر اختلاف نظرهای اخیر ترامپ و نتانیاهو

در حال حاضر کاملاً مشهود است که رئیس جمهور ایالات متحده در سیاست‌هایی که در منطقه دنبال می‌کند توجه چندانی به ملاحظات رژیم صهیونیستی نمی‌کند، به‌طوری که بعضاً گفته می‌شود روابط واشنگتن - تل‌آویو دچار مشکل شده است. اظهارات اخیر ترامپ در کاخ سفید مبنی بر اینکه آتش‌پس وی با انصارالله صرفاً معطوف به این است که آن‌ها به کشتی‌های آمریکایی حمله نکنند و دولت او مشکلی با حملات آتی یمنی‌ها به فلسطین اشغالی ندارد، بیش‌ازپیش به این گزاره دامن زده که آمریکا عملاً از رژیم صهیونیستی در خصوص درگیری با انصارالله‌فاصله گرفته و فراتر از آن، تل‌آویو را از روندهای تصمیم‌گیری با محوریت غرب‌با‌سبیا و ایران دور نگه داشته است. اختلاف بین ترامپ و نتانیاهو عمدتاً ناشی از دیدگاه‌های متفاوت‌شان در مورد مسائل کلیدی سیاست خارجی و رویکردهای تاکتیکی در برخورد با چالش‌های منطقه‌ای است که دو بازیگر با آن مواجه‌اند. به‌طوری که ترامپ در مدت کوتاهی و بر خلاف گذشته، در مورد سه مسئله مهم یعنی برنامه هسته‌ای ایران، ارتباط با حماس که اخیراً به آزادی یکی از اُسرای آمریکایی منجر شد و همچنین آتش‌پس با انصارالله یمن در حال انجام اقدامات و تحرکاتی بدون هماهنگی با رژیم صهیونیستی است. به عنوان مثال، در خصوص جمهوری اسلامی ایران با اینکه آنها نیز با ایران هسته‌ای مخالف‌اند و آن را تهدیدی علیه امنیت و منافع ملی خود می‌دانند، لیکن در مواجهه با این مسئله نتانیاهو اغلب از اقدامات پیشگیرانه و قاطعانه، مانند حمله به تأسیسات هسته‌ای حمایت می‌کند، در حالی‌که ترامپ تمایلی به حمله به تأسیسات هسته‌ای ندارد و ترکیبی از فشار حداکثری و دیپلماسی را دنبال می‌کند که این رویکرد به‌شدت مورد انتقاد نتانیاهو است. به بیان ساده تر نتانیاهو معتقد به نابودی برنامه هسته‌ای ایران به هر طریق ممکن است و ترامپ عمدتاً بر این مسئله تأکید می‌کند که برنامه هسته‌ای ایران نباید دارای ابعاد نظامی باشد و کنار آمدن با یک برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز در ایران را امکان‌پذیر می‌داند. در عین حال، این نکته قابل توجه است که با وجود تمام اختلافاتی که در نگاه بین دولت آمریکا و نتانیاهو وجود دارد، اما این اختلافات، تنها دارای ابعاد تاکتیکی بوده و به نوعی متأثر از نگاه‌های شخصی و متفاوت ترامپ در مواجهه با چالش‌های سیاست خارجی در منطقه است. با وجود اختلاف نظرهای یادشده، به‌گونه‌ای که نتانیاهو عمدأ در حال کارشکنی در برابر سیاست‌های ترامپ در منطقه از جمله توافق با ایران است، اما کاملاً روشن است که این امر در سطح کلان آسیبی به بنیان‌های راهبردی مناسبات تل‌آویو - واشنگتن و تعهد راهبردی آمریکا در حمایت از رژیم صهیونیستی نمی‌زند. نکته قابل توجه اینکه دو طرف هنوز این تفاوت دیدگاه‌ها را با عنوان «اختلاف» به رسمیت نمی‌شناسند و افرادی همچون دیوید فریدمن سفیر سابق آمریکا نزد رژیم صهیونیستی وجود اختلافات را به طور کامل رد می‌کنند. نتانیاهو هم در نشست سری کمیته امنیت و امور خارجی کست اعلام کرده است، شکافی بین ما و آمریکایی‌ها وجود ندارد. ویتکاف نماینده دولت ترامپ در غرب آسیا هم در گفت‌وگو با خبرگزاری بریتیرتا اظهار داشته است: «اختلاف‌های کوچک و معمولی را که اصلاً اهمیتی ندارند، به شکلی اغراق‌آمیز در رسانه‌ها منعکس می‌کنند و آن را تبدیل به بحرانی بزرگ جلوه می‌دهند. این مضحک است.» نکته مهم این است که با وجود اختلافات موجود، رژیم صهیونیستی و آمریکا به‌ویژه در زمینه مقابله با تهدیدات منطقه‌ای و حفظ امنیت رژیم منافع مشترک زیادی دارند. این منافع مشترک همیشه به عنوان عاملی برای حفظ روابط نزدیک بین دو بازیگر، صرف‌نظر از اختلافات شخصی بین رهبران عمل کرده است. ترامپ همواره نشان داده که حامی قوی رژیم صهیونیستی است و این حمایت می‌تواند عاملی برای کاهش تنش با نتانیاهو باشد. البته ترامپ به خوبی می‌داند که در خصوص مسائل رژیم اسرائیل نمی‌تواند خارج از چارچوب کلان سیاست خارجی این کشور در قبال این رژیم عمل نموده و یا اقدام کند. حمایت از رژیم صهیونیستی و تلاش برای تأمین و تضمین امنیت آن در هر شرایطی یکی از اصول ثابت و پایدار سیاست خارجی آمریکاست که تمام دولت‌ها از هر جناحی متعهد به اجرای آن هستند و این نشانگر نقش و نفوذ قوی لابی صهیونیستی در آمریکاست. ترامپ هم از این قاعده مستثنی نیست، بنابراین با وجود اختلاف‌نظرهای شخصی، مجبور است منافع راهبردی آمریکا را در اولویت قرار دهد و روابط با رژیم صهیونیستی را در بالاترین سطح حفظ کند. این در حالی است که نتانیاهو هم به خوبی می‌داند که حفظ روابط خوب با آمریکا برای این رژیم حیاتی است، لذا چاره‌ای جز حفظ و تداوم مناسبات خوب با دولت ترامپ ندارد.



بین‌الملل
INTERNATIONAL



آرمین منتظری

دبیر گروه دیپلماسی و بین‌الملل

اسرائیل پس از سقوط بشار اسد بلافاصله دست به کار شد و اقداماتی نظامی در سوریه به اجرا گذاشت. اقدامات نظامی اسرائیل حتی پس از مستقر شدن دولت موقت هیئت تحریرالشام به ریاست محمد جولانی ادامه یافته است. این اقدامات موجب شده ترکیه که خود را اصلی‌ترین ذینفع از سقوط بشار اسد و روی کار آمدن هیئت تحریرالشام می‌داند، به شدت نگران شود. هر چند اسرائیل و ترکیه تلاش خواهند کرد از درگیری مستقیم در سوریه جلوگیری کنند، اما گسترش حضور نظامی هر دو طرف در سوریه، در کنار برنامه‌ها و اهداف متضادشان و حمایت‌شان از گروه‌های مسلح مختلف، این احتمال را پررنگ می‌کند که دو طرف درگیری‌های محدودی را در سوریه تجربه کنند.

در هفته‌های اخیر، هیئت‌های اسرائیلی و ترکیه مذاکراتی فنی برای ایجاد مکانیسم کاهش درگیری در سوریه انجام داده‌اند. هاکان فیدان، وزیر امور خارجه ترکیه، در مصاحبه‌ای در ۹ آوریل با شبکه سی‌ان‌ان گفت که «تماس‌های فنی برای جلوگیری از سوءتفاهم نیروهای نظامی با اسرائیل داریم» که «در صورت نیاز» برای جلوگیری از درگیری بین دو طرف که روابطشان از آغاز جنگ حماس و اسرائیل در اکتبر ۲۰۲۳ رو به وخامت گذاشته است، مورد استفاده قرار خواهد گرفت. از زمان سقوط اسد، ترکیه و اسرائیل در مورد عملیات‌های نظامی خود در سوریه، اتهاماتی را علیه یکدیگر مطرح کرده‌اند. وزارت امور خارجه ترکیه ادعا کرده است که اسرائیل «تلاش‌ها برای ایجاد ثبات در سوریه را تضعیف می‌کند»، در حالی‌که اسرائیل ادعا کرده است که ترکیه در حال ایجاد یک «حکومت تحت‌الحمایه خود» در سوریه است. اسرائیل همچنین اعتراضات دیپلماتیک خود را با استفاده محدود از نیروی نظامی همراه کرده است. برای مثال، در اوایل ماه آوریل، اسرائیل حملات هوایی به پایگاه‌های هوایی حما و تیاس سوریه انجام داد. گفته می‌شود که ترکیه قصد دارد در این پایگاه‌ها، سیستم‌های پدافند هوایی و همچنین پهپادهای نظارتی و تهاجمی را مستقر کند.

روسیه و ایالات متحده نیز در سوریه همچنان نیروی نظامی دارند. در طول جنگ داخلی در سوریه که از سال ۲۰۱۱ آغاز شد، روسیه در حمایت از حکومت بشار اسد مداخله‌ای را در سوریه آغاز کرد و به نوبه خود به توافقی برای ایجاد پایگاه‌های نظامی در سوریه دست یافت. در آن سو، ایالات متحده نیز نیروهایی را در شمال شرقی سوریه مستقر کرد تا از نیروهای کرد سوریه در مبارزه با شبه‌نظامیان داعش در این کشور حمایت کند. ترکیه نیز در واکنش به این اقدامات، با هدف جلوگیری از درگیری‌های تصادفی، سازوکارهای رفع درگیری را با روسیه و ایالات متحده ایجاد کرد.

پس از سقوط اسد، نیروهای دفاعی اسرائیل از منطقه حائل مورد مناقشه ارتفاعات جولان عبور کردند و اسرائیل کاتر، وزیر دفاع اسرائیل، گفت که این نیروها برای «مدت زمان نامحدودی» در این منطقه خواهند ماند تا از منافع امنیت ملی اسرائیل دفاع کنند. اسرائیل همچنین خواستار غیرنظامی شدن جنوب سوریه و به طور خاص استان‌های قنیطره، درعا و سویدا شده است.

دولت ترکیه و دولت جدید سوریه به رهبری هیئت تحریرالشام، در حال مذاکره برای انعقاد یک پیمان دفاعی هستند که ذیل آن ترکیه پایگاه‌های هوایی در داخل سوریه ایجاد کرده و می‌تواند از حریم هوایی سوریه برای اهداف نظامی استفاده کرده و ارتش سوریه را آموزش دهد.

هم اسرائیل و هم ترکیه حضور نظامی خود را در سوریه پس از اسد گسترش داده‌اند و از خلأ قدرت برای پیشبرد منافع امنیتی و سیاسی خود بهره می‌برند. فروپاشی حکومت اسد به نگرانی‌های منطقه‌ای در مورد احتمال بروز بی‌ثباتی در سوریه دامن زد. از جمله این نگرانی‌ها می‌توان به ظهور مجدد گروه‌های جهادی، از جمله داعش، در بحبوحه گذار این کشور به یک دولت موقت به رهبری هیئت تحریرالشام اشاره کرد. این نگرانی به‌ویژه در میان مقامات امنیتی و سیاستمداران اسرائیلی حاد بود. آنها نگران بودند بی‌ثباتی در شامات در کنار انگیزه‌های پنهان دولت جدید سوریه ممکن است امنیت ملی اسرائیل را تهدید کند. اسرائیل با هدف جلوگیری از دستیابی هیئت تحریرالشام به بقایای زرادخانه تسلیحاتی حکومت اسد، حملات هوایی گسترده‌ای را با هدف تضعیف سیستم‌های دفاع هوایی سوریه، نابودی ذخایر سلاح‌های شیمیایی، انبارهای اسلحه و دارایی‌های دریایی سوریه انجام داد. علاوه بر این، اسرائیل با تصرف مواضع استراتژیک و کلیدی، منطقه حائل خود را در امتداد مرز سوریه گسترش داد. دولت جدید سوریه نیز به دلیل ضعف نظامی و سیاسی خود توان مقابله با اسرائیل نداشت و تنها به مخالفت‌ها و اعتراضات شفاهی بسنده کرد. پس از سقوط اسد، روسیه و ایران نیز نیروهای خود را از سوریه خارج کردند. ایران و روسیه از متحدین اصلی بشار اسد بودند؛ بنابراین بدیهی بود که بعد از سقوط اسد، هیئت تحریرالشام خروج آنها از سوریه را خواستار شود. اما خروج نیروهای ایران و روسیه خلأ قدرت ناگهانی در سوریه ایجاد کرد و دیگر کشورهای رقیب به سرعت تلاش کردند این خلأ را به نفع خود پر کنند.

هم اسرائیل و هم ترکیه حضور نظامی خود را در سوریه پس از اسد گسترش داده‌اند و از خلأ قدرت برای پیشبرد منافع امنیتی و سیاسی خود بهره می‌برند. فروپاشی حکومت اسد به نگرانی‌های منطقه‌ای در مورد احتمال بروز بی‌ثباتی در سوریه دامن زد. از جمله این نگرانی‌ها می‌توان به ظهور مجدد گروه‌های جهادی، از جمله داعش، در بحبوحه گذار این کشور به یک دولت موقت به رهبری هیئت تحریرالشام اشاره کرد. این نگرانی به‌ویژه در میان مقامات امنیتی و سیاستمداران اسرائیلی حاد بود. آنها نگران بودند بی‌ثباتی در شامات در کنار انگیزه‌های پنهان دولت جدید سوریه ممکن است امنیت ملی اسرائیل را تهدید کند.

ترکیه، به طور خاص و به لطف روابط پیشین خود با هیئت تحریرالشام و با توجه به رابطه دیرینه و نزدیک با این گروه در زمان کنترل آنها بر ادلب، در ایجاد روابط اولیه با دولت جدید دمشق موفق عمل کرد. با توجه به اینکه کشورهای مهم اروپایی و ایالات متحده تا به این‌جا حاضر شده‌اند بخش اندکی از تحریم‌های سوریه را تعلیق کنند، هنوز نسبت به روابط قدیمی هیئت تحریرالشام با القاعده به دیده تردید می‌نگرند، بنابراین طبیعی بود که هیئت تحریرالشام از پیشنهادات ترکیه برای کمک نظامی، فنی (مانند بازسازی فرودگاه دمشق)، تأمین برق و کمک‌های بشردوستانه استقبال کند. مجموعه این کمک‌ها، آنکارا را در موقعیتی قرار داد تا بتواند جای پای خود را در سوریه محکم کند. ترکیه همچنین در موقعیتی است که می‌تواند در دولت سوریه نفوذ کند و از این طریق اهداف سیاسی خود نظیر جلوگیری از حملات کردها از سوریه، افزایش صادرات انرژی برای تبدیل شدن به یک قدرت در منطقه و گسترش دامنه نفوذش به سمت جنوب و گسترش حضور نظامی در سوریه را محقق کند.

این اقدامات سریع و گسترده ترکیه در سوریه، اسرائیلی‌ها را نگران کرد. نگاهی به گزارش ۶ ژانویه کمیته ناگل اسرائیل، که وظیفه‌اش ارائه مشاوره در مورد نیازهای استراتژیک و بودجه‌ای بلندمدت ارتش اسرائیل است، تصویری واضح از نگاه اسرائیلی‌ها به تحرکات ترکیه به دست می‌دهد. در این گزارش هشدار داده شده که «تهدید از سمت سوریه می‌تواند به چیزی حتی خطرناک‌تر از تهدید ایران تبدیل شود.» هیئت تحریرالشام از سال ۲۰۱۷ کنترل استان ادلب سوریه را به‌دست گرفت و در این استان یک ساختار سیاسی و حکمرانی مستقل تشکیل داد. دولت ترکیه از سال ۲۰۲۱ برای جبران کمبود برق، برق استان ادلب را تأمین کرده است. خطوط تدارکاتی هیئت تحریرالشام نیز از ترکیه عبور می‌کند و همین امر به آنکارا اهم فشار بیشتری بر این گروه شبه‌نظامی سوری می‌دهد.

در آن سو، روسیه هنوز برخی از پایگاه‌های نظامی خود را در سوریه حفظ کرده و در حال مذاکره با دولت جدید سوریه برای ارائه پشتیبانی نظامی و بازسازی است. اما واقعیت این است که نفوذ روسیه در سوریه، پس از فروپاشی حکومت اسد کاهش یافته است. علاوه بر این سرنگونی اسد موجب شد تا ایران نیروهای نظامی خود را از سوریه فرایخواند و این امر باعث شد که مسیرهای تدارکاتی که ایران قبلاً از آنها برای ارسال سلاح و تدارکات به حزب‌الله لبنان استفاده می‌کرد، مختل



آگنس: AA

آیا ترکیه و اسرائیل در سوریه تدافع و اهداف اسرائیل و ترکیه در سوریه تد

شوند؛ به این ترتیب نفوذ ایران در سوریه به میزان قابل توجهی کاهش یافته است. علاوه بر این منابع آگاه تأیید کرده‌اند که ترکیه با استفاده از روابط نزدیکش با هیئت تحریرالشام، اجازه بازگشایی سفارت ایران در دمشق را نمی‌دهد. در این سو اسرائیل از گروه‌های اقلیت در سوریه، مانند کردها و دروزی‌ها، حمایت می‌کند تا دولت مرکزی سوریه را تضعیف کرده و تهدیدات امنیتی بلندمدت علیه اسرائیل را کاهش دهد. به‌رغم ابراز تمایل شفاهی احمدالشرع، رئیس‌جمهور موقت سوریه، برای عادی‌سازی روابط با اسرائیل تحت «شرایط مناسب»، اسرائیل احتمالاً به دلیل روابط سابق هیئت تحریرالشام با القاعده، سیاست‌های اسلام‌گرایانه دولت او و مرز نفوذپذیر سوریه و اسرائیل، همچنان دولت سوریه را به عنوان یک تهدید بالقوه در نظر خواهد گرفت. بنابراین، اسرائیل احتمالاً اقداماتی را برای تضعیف دولت هیئت تحریرالشام و مجبور کردنش به تمرکز بر حفظ ثبات داخلی، به جای روی آوردن به امور خارجی، انجام خواهد داد. در این راستا، اسرائیل احتمالاً حمایت خود را از گروه‌های اقلیت در سوریه، از جمله دروزی‌ها و کردها، افزایش خواهد داد تا گروه‌های مخالف دولت مرکزی را تقویت کند. خصوصاً اینکه برخی از رهبران دروزی سوریه همواره به دنبال جلب حمایت بین‌المللی در برابر حکومت مستقر در دمشق بوده‌اند. به عنوان مثال، اسرائیل به مانند گذشته ممکن است حملات زمینی و حملات هوایی محدود دیگری را علیه تهدیداتی که در جنوب سوریه متوجه دروزی‌ها است، انجام دهد. اسرائیل احتمالاً سفرهای مذهبی دروزی‌ها به اسرائیل را نیز تسهیل خواهد کرد و به مناطقی در سوریه که اکثریت دروزی دارند، کمک خواهد کرد. علاوه بر این، اسرائیل می‌تواند اطلاعات مربوط به نیروهای تحت حمایت ترکیه را در اختیار گروه‌های کرد در شمال شرقی سوریه قرار دهد و حتی ممکن است حملات هوایی محدودی در این منطقه انجام دهد. این اقدام اسرائیل در صورت خروج نیروهای آمریکایی از سوریه، بسیار محتمل‌تر خواهد بود. علاوه بر این، در صورتی که روند صلح ترکیه و کردها از هم بپاشد و یا کردها حملات مرزی بزرگی به ترکیه انجام دهند، اسرائیل می‌تواند از مکانیسم رفع تنش خود با ترکیه استفاده کرده و به نفع کردها زمان بخرد تا کردها از مواضعی که مورد هدف ترکیه قرار دارند، فرار کنند. اسرائیلی‌ها معتقدند که حمایت‌شان از جوامع کرد و دروزی در سوریه، موجب می‌شود که آنها در مقابل شرایطی که دولت سوریه برای ادغام در ساختار سیاسی سوریه در مقابل‌شان